

Examining the Influence of Moral Virtues on Various Dimensions of Security from the Perspective of the Qur'an and Narrations

Ali Nikouei  / Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Islamic Azad University of Shiraz
2539027261@iau.ir

Received: 2025/09/09 - Accepted: 2026/01/18

Abstract

The main concern of this research is “examining the role of the embodiment of moral virtues by members of society on various dimensions of security from the perspective of the Qur'an and narrations,” conducted using a library-based, documentary method with a descriptive-analytical approach. This article considers honesty in belief and justice in character as the origins of security, divides security into natural and unnatural (human-made) domains, and maintains that adorning oneself with moral virtues lays the groundwork for the harmony of human society with the world of creation (takwīn) and immunity from nature's punishment. On the other hand, vices such as worldliness and materialism, arrogance and domination-seeking, lustfulness, and engaging in oppression are seen as undermining security and provoking insecurity in various dimensions. To prove its claim, the study not only cites verses of the Holy Qur'an and authentic narrations from the Infallibles (peace be upon them) but also draws on contemporary concrete and social examples.

Keywords: Holy Qur'an, security, morality, verses, narrations.

بررسی تأثیر فضایل اخلاقی بر ابعاد مختلف امنیت از منظر آیات و روایات

2539027261@iaui.ir

علی نیکویی  / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸

چکیده

مسئله اصلی این پژوهش «بررسی نقش تخلق به فضایل اخلاقی توسط آحاد جامعه بر ابعاد مختلف امنیت از منظر قرآن و روایات» است که به روش کتابخانه‌ای، اسنادی و با رویکرد توصیفی، تحلیلی صورت می‌پذیرد. این مقاله صداقت در اعتقاد و عدالت در خلیات را سرمنشأ امنیت می‌داند و امنیت را به دو حوزه طبیعی و غیرطبیعی (انسان ساخت) تقسیم نموده و تحلیل به فضایل اخلاقی را، زمینه‌ساز هماهنگی جامعه انسانی با عالم تکوین و مصونیت از قهر طبیعت می‌داند و از سوی دیگر ردایی همچون دنیاطلبی و مال‌پرستی، استکبار و برتری‌طلبی، شهوت‌پرستی و التباس به ظلم را سالب امنیت و داعی ناامنی در ابعاد مختلف می‌داند و در راستای اثبات مدعای خود علاوه بر استناد به آیات قرآن کریم و روایات مأثوره از معصومین علیهم‌السلام، از بیان مصادیق عینی و اجتماعی حاضر نیز بهره‌مند گردیده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، امنیت، اخلاق، آیات، روایات.

امنیت جزء نیازهای اولیه فرد و جامعه است (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۴۷). روان‌شناسان آن را بعد از نیازهای فیزیوژنیک انسان، مهم‌ترین نیاز قلمداد نموده‌اند (گریگوری جی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵۹۳)، و قرآن کریم نیز بر این مهم صحه گذارده و بلافاصله پس از ذکر نعمت طعام از موهبت امنیت سخن رانده است (قریش: ۴) و آن را زمینه‌ساز توحید در عبودیت می‌داند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۳۰۷) و همان‌طور که عدم رفع نیازهای فیزیولوژیک ممکن است منجر به کفر گردد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۷) چه بسا ناامنی نیز منجر به شرک شود.

نعمت امنیت زیرساخت استفاده از سایر نعمت‌هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۴). با از میان رفتن امنیت، بنای جامعه انسانی فرو ریخته و ارکان آن سست می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۷، ص ۵۱۷). به همین دلیل حکومت‌ها علاوه بر ایجاد زمینه فراوانی و اقامه قسط و عدل، وظیفه تأمین امنیت را نیز بر عهده دارند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۰). این نعمت الهی همواره مورد استدعای انبیا (بقره: ۱۲۶) و اولیا (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۹۵) و استجابت باری تعالی بوده است (تین: ۳). سلامتی و امنیت دو نعمتی است که با فقدان آن دو، ارزش آنها شناخته می‌گردد (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۷۲). بر همین اساس خداوند وجود این نعمت را بارها به میان یادآور می‌شود، تا از غفلت بیرون آیند (عنکبوت: ۶۷؛ قریش: ۴؛ بقره: ۱۲۵؛ آل عمران: ۹۷). حکومت صالحان به امنیت مزین است (یوسف: ۹۹) و در سایه آن عبودیت خداوند به‌عنوان هدف آفرینش (ذاریات: ۵۶) و تنها طریق کمال انسان، بیش از پیش تجلی می‌یابد (نور: ۵۵). بر همین مبناست که اولیای الهی یکی از اهداف تشکیل حکومت را ایجاد امنیت می‌دانند تا در سایه آن مؤمن و کافر بهره خود را از دنیا بگیرند (سید رضی، ۱۳۷۹، ص ۹۳، خطبه ۴۰). امنیت لازمه تمام فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۴۳۴) و زمینه نیل به توسعه و پیشرفت پایدار را فراهم می‌آورد (رستمی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۸۰) و باعث جذب سرمایه، رونق گردشگری، خودشکوفایی علما و اندیشمندان می‌گردد (گریگوری جی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵۹۳). ارزش امنیت از ابتدای تاریخ بشر روشن بوده است. پناه بردن او به غارها، ابداع اله‌ها، احداث برج و بارو در اطراف شهرها، پناهندگی به حکومت‌های بزرگ‌تر و عقد معاهدات با ایشان، تدوین قوانین بازدارنده، مجازات مجرمان، تشکیل سازمان‌های نظامی و انتظامی و... بخشی از تلاش‌های بشر برای وصول به امنیت است. یکی از عوامل تأمین و گسترش امنیت، نهادینه نمودن فضایل اخلاقی در اجتماعات بشری است. ادیان الهی و در رأس آنها اسلام، با القای گزاره‌های اخلاقی به دنبال شکل‌گیری جوامع اخلاق‌مدار هستند. آیات و روایات مملو از آموزه‌هایی اخلاقی است که تلبس به آن موجبات زینت روح و جان را فراهم می‌آورد و تخلق به فضایل مأموره، نقشی بی‌بدیل در امنیت فرد و جامعه ایفا می‌نماید. بررسی رابطه اخلاق و تأمین امنیت و تشریح نحوه امنیت‌آوری فضایل اخلاقی، رسالت این نوشتار است. هدف از این پژوهش ترسیم نقش‌آفرینی

فضایل اخلاقی در بهبود احساس امنیت افراد و جوامع است تا مخاطبان خود را به رعایت بیش از پیش اصول اخلاقی فراخواند و طالبان امنیت را به ضرورت نهادینه کردن اخلاقیات در جامعه توجه دهد.

پیشینه پژوهش

پیرامون «تأثیر فضایل اخلاقی بر ابعاد مختلف امنیت، آن هم از منظر آیات و روایات» تا کنون مقاله یا پژوهشی صورت نگرفته است. جست‌وجو با دو کلیدواژه «اخلاق» و «امنیت» ما را به کتب، مقالات یا رساله‌هایی رساند که اهداف و محتوای آنها با هدف و محتوای این مقاله متفاوت است. به اهم آنها در ذیل اشاره می‌کنیم:

۱. کتاب *اخلاق و امنیت، مبانی و اصول* (طجری، ۱۴۰۱): این کتاب به بیان اخلاق حرفه‌ای مأموران امنیتی می‌پردازد.

۲. کتاب *اخلاق در رابطه با صلح و امنیت جهان* (فهیمیان، ۱۳۹۳): نویسنده پس از بیان مبانی و مفاهیم اولیه، به جایگاه اخلاق در ادیان و حیان و ضرورت عبرت‌گیری از تاریخ می‌پردازد و با الهام از تاریخ به ارائه دوازده اصل می‌پردازد که اگر جهان به آن ملتزم گردد به صلح و امنیت نائل می‌شود. شاخص‌ترین این اصول، توحید، عدالت و رسیدگی به بینوایان است.

۳. مقاله «اخلاق و راهبرد امنیت ملی» (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹-۲۴): نویسندگان با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای سعی نموده‌اند جایگاه اخلاق را در ایجاد و تنظیم معادلات امنیتی تبیین نمایند.

۴. مقاله «نقش اخلاق اجتماعی بر امنیت اجتماعی و عمومی» (صالحی امیری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۱-۱۸): نویسندگان اخلاق اجتماعی را دارای دو بعد رفتار فضیلت‌گونه و رفتار مشارکت‌گرایانه می‌دانند و بر تأثیر «شرم و حیا» و «احساس گناه» در ارتقای سطح امنیت ملی تأکید دارند.

۵. مقاله «نسبت اخلاق و امنیت؛ امکانی برای امنیت اخلاقی» (غرایق زندی، ۱۳۹۱، ص ۸۲-۱۰۸): نویسنده معتقد است امکان دستیابی به امنیت اخلاقی به دو شرط «مرجعیت اخلاقی در مطالعات امنیتی» و «افزایش باور مشترک در مسائل امنیتی» میسر است و به دنبال اثبات این امر از طریق مطالعه نسبت اخلاق و امنیت است.

۶. مقاله «تبیین رابطه اخلاق و امنیت فرهنگی» (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳-۱۲۶): نویسنده امنیت داخلی جامعه را در دو حوزه «امنیت فرهنگی» و «امنیت اخلاقی» تفکیک می‌کند، و در جامعه فرهنگی مذهبی ایران، آسیب به اخلاقیات را آسیب به امنیت فرهنگی می‌داند و دستیابی به امنیت فرهنگی را به حفظ ارزش‌های اخلاقی منوط می‌کند، اما به تشریح چگونگی تأثیر فضایل اخلاق بر ایجاد یا استمرار امنیت فرهنگی نمی‌پردازد. ضمن اینکه تقسیم امنیت داخلی جامعه به دو حوزه «فرهنگی» و «اخلاقی» جای تأمل دارد.

۷. مقاله «عدالت فردی یا اخلاق زیربنای عدالت اجتماعی و امنیت» (سراج، بی‌تا، ص ۲۵۵-۲۷۶): نویسنده عدالت را مرادف نظم گرفته و معتقد است رعایت اخلاقیات فردی، ساختار منظم جامعه را به ارمغان می‌آورد و باعث می‌شود

افراد از حدود خود تجاوز نمایند و همین امر زیربنای عدالت اجتماعی و امنیت را فراهم می‌آورد. عدم تفکیک بین انواع عدالت فقهی، اخلاقی و... و نیز تعریف عدالت به «نظم» و «اخلاق» به رعایت حقوق دیگران، از نقدهایی است که می‌توان برای این مقاله ذکر کرد.

۸. رساله «نقش اخلاق در امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن و روایات» نوشته مریم استادی (۱۳۹۲): نویسنده ایمان و عمل صالح را منشأ تمام فضایل اخلاقی می‌داند و سپس فضایی همچون صبر، اخوت اسلامی، تواضع، مهربانی و پرهیز از خشونت را موجد امنیت روانی و فضایی همچون عدالت، احسان، امانت‌داری را مزید امنیت اقتصادی می‌شمارد. اکثراً به یک جنبه از امنیت و تحدید آن به امنیت اقتصادی و روانی از موارد قابل بحث این پژوهش است. ۹. رساله «جایگاه ارزش‌های اخلاق اجتماعی در قرآن و نقش آن در امنیت جامعه» نوشته زهرا دلفان (۱۳۹۷): نگارنده بیشتر به بیان جایگاه برخی از ارزش‌های اخلاقی قرآن در اجتماع پرداخته و برخلاف نام رساله، به بررسی ارتباط این ارزش‌ها با امنیت اشاره‌ای نشده است.

۱۰. رساله «مبانی نظری امنیت اخلاقی از منظر قرآن و روایات» نوشته مجتبی رضوانی نوینی (۱۳۹۶): از نظر نگارنده جامعه‌ای دارای امنیت اخلاقی است که احتمال انحراف اخلاقی در آن نباشد. وی اعتقاد به مبدأ و معاد را عامل مهم کنترل غریز و شهوات می‌داند و امتثال اوامر الهی مبنی بر عفاف و حجاب، رعایت حریم زن و مرد، فعالیت سالم زنان در اجتماع، امر به معروف و نهی از منکر را مفید برای امنیت اخلاقی می‌داند. با وجود پژوهش‌های متعددی در حوزه اخلاق و امنیت، اغلب آنها یا نگاهی کلی به رابطه این دو مقوله داشته‌اند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳)، یا بر جنبه‌های خاصی مانند امنیت اجتماعی (صالحی امیری و همکاران، ۱۳۹۵) و یا امنیت اخلاقی (غریقی زندی، ۱۳۹۱؛ رضوانی نوینی، ۱۳۹۶) متمرکز بوده‌اند.

مطالعه حاضر با تکیه بر مبانی قرآنی و روایی و با رویکردی تفسیری - تحلیلی جامع، به‌جای تمرکز بر یک بُعد خاص، همه جانبه‌نگری را در بررسی ابعاد مختلف امنیت (طبیعی و انسان‌ساخت) رعایت کرده است. همچنین این پژوهش با تبیین سازوکارهای علی و عینی تأثیر فضایل و رذایل اخلاقی، از سطح گردآوری توصیفی فراتر رفته و به ارائه الگویی کاربردی و قابل اتکا در حوزه امنیت‌پژوهی دینی می‌پردازد. در نهایت، تأکید بر نقش زیرساختی اخلاق عمومی جامعه (و نه صرفاً اخلاق حرفه‌ای یا حکومتی) به‌عنوان متغیری کلیدی در تحقق امنیت پایدار، نوآوری محوری این نوشتار به‌شمار می‌آید.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. امنیت

«امنیت» در زبان پارسی، مصدر جعلی از «امن» است و به معنای ایمن شدن، در امان بودن، بی‌بیمی است (معین، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴). واژه «امن» در عربی در اصل به معنای آرامش خاطر، آرامش نفس و از بین رفتن بیم

و هراس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰). ابن فارس برای این واژه، دو ریشه نزدیک به هم قائل شده است: یکی امانت که ضد خیانت است و معنایش آرامش قلب می‌باشد و دیگری به معنای «تصدیق» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۳). بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد «امن»، ریشه واحدی دارد و به معنای سکون، آرامش و رفع ترس و وحشت و اضطراب است و ایمان را از آن جهت که مایه آرامش فرد و نیز آرامش اطرافیان می‌شود، ایمان گویند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۶۵). بنابراین امنیت، همان آرامش خاطر و ایمن بودن از مخاطرات مختلف است و بنابر زمینه آن دارای انواع متفاوتی است و معمولاً در ترکیب با واژه دیگری، نوع آن مشخص می‌شود. برخی از انواع «امنیت» عبارت‌اند از: امنیت فردی (آشوری، ۱۳۹۶، ص ۳۸۰)، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای، امنیت بین‌المللی، امنیت اقتصادی، امنیت طبیعی، امنیت روانی، امنیت فکری (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶)، امنیت ظاهری و باطنی (مظاهری، ۱۳۸۶، ص ۲۴)، امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت حیثیتی و آبرویی، امنیت عمومی، امنیت سایبری و....

۱-۲. اخلاق

اخلاق، جمع «خُلُق» است و «خُلُق» به معنای «سجیه» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۱۴)، «طبیعت» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۵۱)، «آنچه انسان به آن عادت پیدا کرده» (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۱۲۹)، «دین»، «طبع»، «صورت باطنی انسان» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۸۶) و «آنچه از طبیعت و سجایای نفسانی نشأت گرفته» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۳۱) آمده است. «خُلُق» و «خُلُق» از یک ریشه‌اند، اما «خُلُق» به اشکال و هیئتی گویند که قابل درک با چشم سر است و «خُلُق» به قوا و سجایایی گویند که با بصیرت قابل درک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۷). همین معنی در روایتی از امام علی علیه السلام متبلور شده است: «حَسَنُ الْخُلُقِ لِلنَّفْسِ وَحَسَنُ الْخُلُقِ لِلْبَدَنِ»؛ نیکویی خُلُق برای نفس و نیکویی خُلُق برای بدن است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۸). معنای اصطلاحی «خُلُق» نیز، مأخوذ از مفهوم لغوی آن است. «خُلُق» در اصطلاح حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل آدمی را به سمت انجام کاری دعوت می‌نماید (ابن مسکویه، ۱۴۲۶ق، ص ۱۱۵)، البته برخی از بزرگان شرط ثبوت و رسوخ این حالت در نفس را بر این تعریف افزوده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹) و به همین دلیل از آن تعبیر به «ملکه‌ای نفسانی» نموده‌اند (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵) که افعال بدنی مقتضای خود را باعث می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۹، ص ۶۱۸). بنابراین با تکیه بر میراث سلف، اخلاق را می‌توان این‌چنین تعریف نمود: «به مجموعه‌ای از صفات و حالات نسبتاً پایدار و ثابت نفسانی می‌گویند که به آسانی انسان را به صدور رفتار یا گفتاری بدون تأمل و تفکر وامی‌دارد که ممکن است زشت باشد یا زیبا. حال اگر آن صفات پایدار، حمیده و زیبا باشد، فضایل و مکارم نامیده می‌شود و اگر زشت و ناپسند باشد، آن را رذایل اخلاقی گویند».

۲. امنیت‌آفرینی فضایل اخلاقی

تخلی به فضایل اخلاقی امنیت را در ابعاد مختلف آن به ارمغان می‌آورد.

۲-۱. امنیت طبیعی

شاخه‌ای از امنیت، امنیت طبیعی است (غرایق زندگی، ۱۳۹۱، ص ۹). حوادثی همچون سیل، زلزله، طوفان، خشکسالی، قحطی و بلایای طبیعی دیگر از جمله عواملی هستند که از طبیعت پیرامون بشر نشئت می‌گیرند و موجودیت او را به مخاطره می‌اندازند. به‌صراحت قرآن کریم قسمتی از بلایای طبیعی به جهت آزمایش انسان است (بقره: ۱۵۵) و این دسته از بلایا و امتحانات یا به جهت تمییز صالح از طالح است (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۴۰۸) یا به دلیل ترفیع درجات صالحین، اما گاهی بلایای طبیعی، عذاب الهی و کیفر اعتقادات، اعمال و اخلاقیات ناشایست است (نحل: ۱۱۲). بنابراین آزمون به بلایای طبیعی غیر از تعذیب و کیفر تلخ به آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۶۵۱). در آزمون‌های الهی، ناامنی برای مدتی اندک و مقطعی است و لفظ «بشیء» در آیه ۱۵۵ سوره بقره حکایت از این امر دارد، اما ناامنی برآمده از کیفر کفران نعمات الهی مانند لباس، معذبان به عذاب الهی را می‌پوشاند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۶۵۱).

کفران نعم الهی چه بسا به شکل ردایلی اخلاقی نمود یابد و باعث تبدیل نعمت به نعمت گردد. به‌صراحت قرآن کریم (انفال: ۵۳) سلب نعمت یا تبدیل آن به نعمت، حاصل دگرگونی اخلاقیات و خصوصیات نفسانی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴)، و هرگاه انسان مواهب الهی را وسیله‌ای برای طغیان، سرکشی، ظلم و بیدادگری، تبعیض و ناسپاسی و غرور و آلودگی قرار دهد، خداوند یا این نعمت‌ها را می‌گیرد و یا آن را تبدیل به بلا و مصیبت می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۰۷). به بیان دیگر، نعمت، تابعی از استعداد و استحقاق نفوس است. اگر حالات و ملکات نفوس جامعه تغییر کرد، باید منتظر تغییر و تبدیل نعمت به نعمت بود (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۹، ص ۱۳۳). راز این امر، ارتباط تنگاتنگ اجزای عالم تکوین با یکدیگر است که ناسازگاری عنصری با این اجزاء موجب طرد آن از سوی سایرین و عدم سرویس‌دهی به آن می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۸، ص ۲۵۱)، و بالعکس تخلی به فضایل اخلاقی و تلبس به لباس تقوا نه تنها تأمین‌کننده امنیت طبیعی بشر است، بلکه مایه سرازیر شدن برکات کائنات به سوی انسان به‌شمار می‌رود (اعراف: ۹۶).

در قرآن کریم تقوا در مقابل ردایلی چون کفر، عدوان، ظلم، کبر، فساد، فجور (ایزتسو، ۱۳۹۸، ص ۳۶۹)، خسران، خیانت و احتیال به کار برده شده است (شیرافکن و همکاران، ۱۳۹۶، ج ۷، ص ۱۷۷)، و متقین افرادی هستند که با اعمال صالح خود، خود را از عذاب الهی ایمن می‌سازند و شهوت و غضب خود را کنترل می‌نمایند و از گناهان و ردایلی پرهیز می‌کنند؛ همچنان که فردی پابرهنه در بیابان از خار و خاشاک پرهیز می‌کند (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰). چنین افرادی هستند که جامعه‌ای صالح و ایمن تشکیل می‌دهند، هم از یکدیگر در امان‌اند و هم از قهر طبیعت ایمنی

یافته‌اند. در مقابل، افرادی که به انحرافات اعتقادی و به تبع آن به رذایل اخلاقی مبتلا هستند، هرگز از قهر طبیعت که ناشی از غضب الهی است ایمن نیستند (اعراف: ۹۷-۹۹). اگر افراد جامعه، نعمت خدا را به‌جای اینکه در راه تحصیل سعادت حقیقی استفاده نمایند به بازیچه بگیرند و به دنبال شهوات نفسانی خود باشند، از مکر الهی که گاهی به‌صورت قهر طبیعت نمود می‌یابد، ایمن نیستند.

قرآن کریم علاوه بر بیانات کلی پیرامون ناسازگاری طبیعت با انحرافات اعتقادی و اخلاقی، مصادیقی از اقوام و اجتماعات منحرف را ذکر می‌نماید که رذایل اخلاقی ایشان زمینه حق‌ناپذیری و سرانجام نابودی آن اجتماع توسط طبیعت را فراهم آورده است. به‌عنوان مثال، قوم نوح دارای رذایل اخلاقی همچون ظلم (هود: ۴۴؛ عنکبوت: ۱۴؛ نوح: ۲۴؛ مؤمنون: ۲۸)، فسق (ذاریات: ۴۶)، تکبر (نوح: ۷؛ هود: ۳۳)، لجاجت (نوح: ۷؛ ابراهیم: ۹)، تمسخر دیگران (هود: ۳۸)، فقدان عدالت اجتماعی و ظلم به بینوایان (هود: ۲۷؛ شعراء: ۱۱۱) بودند، و قوم لوط به رذیله لواط گرفتار بودند (اعراف: ۸۰-۸۱)، و قوم شعیب کم‌فروشی می‌نمودند (اعراف: ۸۵؛ هود: ۸۴) و....

بنابراین اگر فضایل اخلاقی در جامعه‌ای رشد کند و آن جامعه روبه صلاح برود، حوادث خارجی هم عوض می‌شود و بالعکس اگر جامعه‌ای روبه فساد و طغیان حرکت کند، حوادث خارجی هم بر همان اساس تغییر می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶). تعبیراتی همچون «قوم»، «اهل القری» و «قریه»، نشان از عمومیت تخلق افراد آن جوامع به خُلقیات مثبت یا منفی دارد که آثار آن در طبیعت و حوادث خارجی بازتاب می‌یابد. روایات نیز بر این حقیقت صحه می‌گذارد و ابتذال و آلودگی به رذایل اخلاقی را عامل از دست رفتن امنیت طبیعی، مرگ مفاجات، قحطی و سایر حوادث ناگوار می‌داند (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵۳).

۲-۲. امنیت غیرطبیعی (انسان‌ساخت)

درک ارتباط فضایل اخلاقی با امنیت طبیعی، صرفاً برای افرادی میسر است که اعتقاد به عالم غیب دارند و گرنه آنان که علل طبیعی را در عرض خداوند می‌دانند و فکر می‌کنند خداوند زائیده جهل انسان به عوامل طبیعی است، از این بصیرت بی‌بهره هستند؛ درحالی‌که خداوند مسبب‌الاسباب، تمام عالم را به هم پیوسته خلق نموده و هر عضوی که از ناسازگاری با دیگر اجزای عالم دم زند، عالم نیز با او سر ناسازگاری برداشته و امنیت را از او می‌رباید و در نابودی آن تلاش می‌نماید، مگر اینکه آن عضو (انسان) دست از گناه و فساد بردارد و گرنه به‌تدریج به تباهی خو گرفته و ناگهان همه اجزای عالم در تباه ساختنش دست به هم داده و اثری از وجودش باقی نمی‌گذارند و زمین را از لوث او پاک می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۵۱).

اما ارتباط فضایل اخلاقی با امنیت انسان‌ساخت، برای همگان ملموس‌تر می‌نماید. بسیاری از تهدیداتی که امروزه امنیت را از بشر ربوده و جهان را برای او مخاطره‌آمیز نموده است، انسان در به وجود آمدن آن نقش مستقیم و قابل رؤیت دارد. تهدیداتی همچون جنگ و آسیب‌های برآمده از آن، فقر، بیماری‌های مهلک، مواد مخدر، آلودگی آب و

محیط‌زیست، انواع ترورها (شیمیایی، بیولوژیکی، انتحاری و...) و وقوع جرم و جنایت‌ها، تجاوزات جنسی، قتل، دزدی و... به دلیل آلودگی اجتماع بشری به رذایل اخلاقی است.

در ادامه در راستای تبیین تأثیر تخلیه جامعه از رذایل و تخلیه آن به فضایل بر استقرار انواع امنیت انسان‌ساخت، به تأثیرگذاری دو مورد از امهات فضایل، یعنی صداقت و عدالت بر امنیت‌آفرینی جامعه اشاره می‌کنیم و سپس به رذایل امنیت‌سوز در جامعه از منظر قرآن می‌پردازیم.

۳. صداقت در اعتقاد و عدالت در خلقیات منشأ امنیت

اولین پیوندی که امنیت با فضایل اخلاقی دارد، در مقوله صداقت است. بزرگان صداقت را «اشرف صفات نفسانیه و رئیس اخلاق ملکیه» می‌دانند (نراقی، ۱۳۷۴، ص ۵۸۰) و برای آن اقسامی قائل‌اند. از مهم‌ترین اقسام صداقت، صدق در اعتقاد است و آن به معنای انطباق اعتقاد انسان با حق و واقعیت است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۶ ص ۲۶۱)، و ایمان به مبدأ و معاد حقیقی ترجمان آن است که صدق در نیت و اراده را به ارمغان می‌آورد و باعث می‌گردد شخص در تمام حرکات و سکناتش جز خداوند انگیزه‌ای نداشته باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۴۴). حال اگر شخصی اعتقادش منطبق بر واقعیت باشد، یعنی مؤمن بالله باشد و انگیزه‌ای جز رضای الهی نداشته باشد، به تدریج نائل به مراتب دیگر صدق شده و در حریم امن الهی وارد می‌گردد؛ به نحوی که هم خود ایمن است و هم دیگران از او ایمن هستند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: ۸۲)؛ کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، ایمنی از آن آنان است و ایشان راه‌یافته‌گاند.

این آیه، دو شرط اساسی برای امنیت فراگیر در دنیا و آخرت قائل است. از آن لحاظ «امنیت» به صفت فراگیر موصوف گردید که «ال» در واژه «الْأَمْن» عمومیت آن را در دنیا و آخرت می‌رساند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۶، ص ۱۹۱)، اما آن دو شرط یکی «صدق» در اعتقاد است که همان ایمان است و دیگری دوری از ظلم. تشریح این دو شرط، وابستگی امنیت به این دو فضیلت را تبیین می‌نماید.

۳-۱. صداقت در اعتقاد

اعتقادات گوناگونی پیرامون منشأ هستی و آینده آن وجود دارد، اما تنها اعتقاد مؤمنین، منطبق بر واقع است و ایمان در هر مرتبه‌ای که باشد همراه با یک مرتبه‌ای از امنیت است. کمترین درجه ایمان، هم برای مؤمن امان از عذاب را به ارمغان می‌آورد و هم برای کسانی که با او در ارتباط‌اند، مایه امنیت است؛ چراکه پایین‌ترین درجه ایمان که همان صدق در اعتقاد است، شخص را از هرگونه خیانت، ناراستی، دزدی و هرگونه تعدی به مال، عرض و ناموس دیگران بازمی‌دارد (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۸۳).

قرآن کریم مؤمنین را به اوصافی مزین می‌داند که آراستگی به آن مزید امنیت فردی و اجتماعی است. در نگاه کلام الهی، مؤمن واقعی، پاک‌دامن، برحذر از گفتار و کردار بی‌هوده، امانت‌دار و وافی به عهد (مؤمنون: ۸۵)، علاقه‌مند

به سرنوشت جامعه و ملزم به نظارت اجتماعی (توبه: ۷۱)، حافظ حدود الهی بالاخص در ارتباط با حقوق مردم (توبه: ۱۱۲)، اهل انفاق (انفال: ۳) و برادر و خیرخواه دیگران (حجرات: ۱۰) می‌باشد. این فضایل که از صداقت در اعتقاد که همانا ایمان به بارگاه ربوبی و حساب اخروی نشئت می‌گیرد، در ابعاد مختلف ایجاد امنیت می‌نماید.

جدول ۱: امنیت‌آفرینی صفات مؤمنین

ردیف	برخی از فضایل اجتماعی مؤمنان	زمینه امنیت‌آفرینی
۱	پاک‌دامنی	امنیت جنسی، بهداشتی، عمومی، اجتماعی
۲	پیراستگی از گفتار، کردار و رفتار بیهوده	امنیت در ابعاد مختلف: امنیت روانی برای مخاطبین، امنیت فردی، اجتماعی و عمومی
۳	امانت‌داری	امنیت مالی و اقتصادی
۴	وفای به عهد	امنیت خاطر و روان
۵	حفظ حدود الهی، بالاخص در ارتباط با حقوق مردم	امنیت در ابعاد مختلف فردی (جانی، مالی، عرض و ناموس) و اجتماعی و عمومی
۶	انفاق و بخشش	امنیت غذایی و اقتصادی، اجتماعی، عمومی
۷	برادر و خیرخواه یکدیگر بودن و...	امنیت در تمام ابعاد اجتماعی، عمومی و...

۳-۲. عدالت (عدم التباس به ظلم)

ظلم، همان خروج از اعتدال و میانه‌روی است (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۷، ص ۹۸)؛ چراکه «عدل» به معنای «قرار دادن هر چیزی در جای خود» می‌باشد (سید رضی، ۱۳۷۹، ص ۷۳۴) و ظلم را «قرار دادن چیزی در غیر از جایی که مخصوص به اوست به نقصان و کمی و یا به زیادتی و فزونی» معنا نموده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۳۷)، و در علم اخلاق ظلم زایل‌کننده ملکه عدالت و حاصل تسلط همه یا برخی از قوای شهویه و غضبیه بر عقل است (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۵۵۸)، و هر قوه‌ای که بر قوه عاقله تسلط یابد به فراخور خود بازتابی را در اعمال و رفتار انسان دارد. اگر قوه شهویه بر عقل غلبه یافت، بسته به نوع شهوت، نوعی از امنیت را سلب می‌نماید. به‌عنوان مثال، غلبه شهوت جنسی، امنیت جنسی را از دیگران سلب می‌نماید که ممکن است به‌صورت رذیله تجاوز به عنف، زنا، لواط و مساحقه خودنمایی کند و سپس امنیت بهداشتی، عمومی و اجتماعی را به خطر اندازد، و یا شهوت مال‌طلبی که اگر به افراط گرایید و زمام خود را از عقل ربود و به ملکاتی همچون حرص، طمع و بخل تبدیل گردید (نراقی، ۱۳۷۴، ص ۳۹۵ و ۴۰۲ و ۴۰۵)، خود را به شکل رذایلی مانند رباخواری، رشوه‌گیری، احتکار، خوردن مال یتیم، اکل مال به باطل، دزدی، کم‌فروشی، خیانت در امور بیت‌المال، غش در معامله، عدم انفاق و... نشان می‌دهد و امنیت غذایی، اقتصادی و مالی را نشانه می‌رود و زمینه رذیله اجتماعی دیگری همچون بی‌عدالتی در اجتماع را فراهم می‌آورد و باعث فاصله طبقاتی می‌شود و از این رهگذر ناامنی‌های فردی، عمومی و اجتماعی را موجب می‌گردد.

۴. اهم ردایل امنیت‌سوز

از مباحث گذشته معلوم گردید تمامی ظلم‌ها به فراخور خود، سالب امنیت از ظالم و مظلوم هستند و ظلم حاصل، عدم اعتدال در بهره‌برداری از قوای نفسانی اعم از قوه غضبیه، شهویه و یا وهمیه است. عدم اعتدال این قوا نتیجه نافرمانی آنها از قوه عاقله می‌باشد که باعث نفوذ یافتن ردایل می‌گردد و نقش این ردایل در سلب امنیت متفاوت است؛ برخی از شدت و حدت بیشتری برخوردارند و برخی کمتر. در ادامه به بحث پیرامون اهم ردایلی که امنیت را از انسان سلب می‌نمایند و نحوه کارکرد آن ردایل در سلب امنیت می‌پردازیم.

۴-۱. مال‌پرستی

حب مال از انشعابات قوه شهویه است (نراقی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۴) که خداوند در نهاد بشر تعبیه نموده است (آل عمران: ۱۴) تا زندگی مادی او در این کره خاکی دوام یابد، اما مال دنیا، هدف غایی نیست و انسان باید به دنیا و متعلقات آن به‌عنوان وسیله نگاه کند و آن را مستقلاً هدف نپندارد (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۱۴۹).

اگر «مال» در طرح‌واره انسان هدف مستقل قلمداد شد، به‌جای اینکه وسیله لذت، عزت دنیا، تقرب و پاداش اخروی گردد، مایه حسرت در دنیا و آخرت می‌گردد و امنیت روانی و فکری را از صاحبش می‌گیرد و مال‌اندوزی وی به تهدیدی برای سایرین تبدیل می‌گردد، و اگر در دین برای مال مذمتی ذکرشده، مربوط به نفس دارا بودن مال نیست، بلکه مربوط به تعلق خاطر به مال، به‌عنوان هدف مستقل است؛ به‌نحوی که انسان بنده «مال» شود (مطهری، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۸۳). ردایلی چند از این خلُق سرچشمه می‌گیرند که امنیت فرد و جامعه را به مخاطره می‌اندازد. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۴-۱-۱. رباخواری

«ربا» به معنای زیاد شدن است و به زاید بر اصل سرمایه، «ربا» گویند (طبرسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۹) و منظور تبدیل جنسی است به مثل همان جنس با مقدار زیادتر (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۶۵۹). قرآن کریم برخلاف ظاهر امر، ربا را مایه نقصان و صدقه را مایه رشد و نمو می‌داند: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره: ۲۷۶)؛ خدا از [برکت] ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد. در این آیه از صنعت بدیع تضاد استفاده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۵۲۳). خداوند آینده رباخواری را با آینده پرداخت صدقات مقایسه فرموده است. صدقه و ربا هر دو با زندگی محرومین جامعه سروکار دارند، اما صدقه باعث جلب محبت و حسن تفاهم و جذب قلوب است و امنیت را در جامعه می‌گستراند و دل‌ها را از اینکه به‌سوی غصب و زدی گرایش یابد باز می‌دارد و باعث اتحاد و مساعدت و معاونت احاد جامعه می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۶۴۲) و فقرا را به حسب «مال» و «قلب» به ثروتمندان نزدیک‌تر می‌کند و شکاف طبقاتی را تقلیل می‌بخشد، اما «ربا» باعث شکاف طبقاتی شدید می‌گردد؛ چراکه محروم به دلیل نیاز مبرم، مبلغ یا جنسی را وام می‌گیرد به شرط

اینکه افزون بر آن را برگرداند. در اینجا اولین جرعه ناامنی زده می‌شود و امنیت خاطر از وام‌گیرنده سلب می‌شود و بدهکار مدام به این مطلب می‌اندیشد که چگونه وام خود را با بهای بیشتر بازگرداند و این دغدغه، امنیت و آرامش او و خانواده‌اش را می‌ریاید. تکرار وام‌گیری از ثروتمندان و افزونی در پرداخت آن توسط فقرا، به تدریج فقیر را فقیرتر و ثروتمند را ثروتمندتر می‌نماید و ادامه این روند خشونت‌آمیز، تصاحب اموال فقرا را توسط ثروتمندان به دنبال دارد و فقیر که تمام اموال و آبروی خود را از دست رفته می‌بیند، در مقام مخاصمه و انتقام برمی‌آید و چه بسا دست به دزدی، قتل و غارت اموال دیگران، بالاخص رباخوار بزند و بدین گونه ربا، امنیت فرد و جامعه را از بین می‌برد. بنابراین ربا سبب تقسیم جامعه به دو قشر ثروتمند و فقیر و تقابل این دو قشر می‌گردد و زمینه شورش فقرا و منازعات اجتماعی را پدید می‌آورد و باعث زوال جامعه و کوتاهی عمر آن می‌شود (جواد آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۵۵۶).

درحقیقت رباخواری باعث اختلال در نظام اقتصادی، اجتماعی و حکومتی مسلمین می‌گردد و به همین دلیل رباخوار به منزله کسی است که در مقام جنگ با خدا و رسول خدا برآمده است (بقره: ۲۷۸-۲۷۹) و مالی را به ظلم تصاحب می‌نماید (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۰، ص ۲۷۶) و تلبس به ظلم نافی امنیت است (انعام: ۸۲) برخلاف تخلّق به انفاق و اعطای صدقات که مرضی باری تعالی و منطبق بر عدالت و موجب صیانت و امنیت از خوف و حزن است (بقره: ۲۷۷).

۲-۱-۴. گنجینه کردن اموال و عدم انفاق آن در راه خدا

تعلق خاطر به مال دنیا به عنوان هدف نه وسیله، زمینه ملکاتی همچون حرص و بخل را در وجود انسان فراهم می‌آورد. علمای اخلاق حرص را جمع‌آوری مال مازاد بر آنچه انسان احتیاج دارد (نراقی، ۱۳۷۴، ص ۳۹۵) و بخل را امساک در مقامی که اعطا واجب باشد، دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷). قرآن کریم نیز بر این تعریف صحه می‌گذارد (توبه: ۳۴). این دو رذیله اخلاقی در ابعاد مختلف نافی امنیت می‌باشند: در ابتدا صاحب خود را دچار تشویش ذهن و اضطراب و عدم امنیت خاطر می‌نمایند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۰)؛ چراکه پیوسته در اندیشه تجمیع مال است بدون اینکه از آن استفاده‌ای نماید و ترس از فقر که از القائنات شیطان است (بقره: ۲۶۸) امنیت روح و روان را از او گرفته و از اندیشه‌های زیان‌بخش رنج می‌برد. کوشش بی‌پایان و مشقتی مستمر دارد که جز با مقراض مرگ قطع نمی‌گردد و از اموری هراسان و بیمناک است که لاجرم بدان مبتلا می‌شود و نگرانی عمیق، زندگی را بر وی تلخ نموده و نزد خدا حسابی دقیق دارد که منجر به کیفری دردناک برای او می‌گردد (جعفرین محمد، ۱۳۶۰، ص ۱۳۲). علاوه بر این، بخیل چون از درخواست مردم ترس دارد، مال خود را کتمان می‌کند. از طرف دیگر می‌ترسد اگر از دادن مال خودداری نماید، مردم خونس را بریزند یا آرامش زندگیش را از او سلب نمایند؛ پس درعین حال که دارای وضعیت مالی خوبی است، لباس پاره می‌پوشد و غذای نامطلوب می‌خورد و بدین ترتیب او هم در دنیا از امنیت بی‌بهره است هم در آخرت (نساء: ۳۷؛ طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۵۶۳).

از سوی دیگر، چنین افرادی که به دنبال تجمع مال هستند، اما آن را در راه‌های مناسب و پسندیده صرف نمی‌نمایند، زمینه رکود اقتصادی و نابسامانی اجتماعی را ایجاد می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۹، ص ۳۵۰). افرادی که پول‌های خود اعم از سکه، دلار و یا ریال را گنجینه می‌نمایند، در واقع فلسفه ایجاد پول را زیر سؤال می‌برند؛ زیرا پول و سکه برای تسریع در مبادلات تجاری به جای معاملات پایاپای اختراع گردید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۹۳). اما گنجینه کردن آنها باعث رکود قسمتی از سرمایه جامعه و خوابیدن چرخ‌های اقتصادی کشور می‌گردد و امنیت اقتصادی کشور را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد. تجمع ثروت اعم از طلا، نقره، املاک، اعیان یا اشیا توسط عده‌ای از افراد و بیرون کردن آن از چرخه اقتصادی، به عدم انتفاع اجتماع از آن می‌انجامد و زمینه انحطاط اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌آورد و شاید یکی از معانی عذاب شدید که در آیه «کنز» به آن وعده داده شده است، همین باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۹۳).

بنابراین حرص و بخل دو رذیله اخلاقی هستند که ابتلا به آن توسط افراد جامعه، آرامش فردی و اجتماعی را از بین می‌برد و عمومیت یافتن آن در جامعه، امنیت اقتصادی، اجتماعی و حتی ملی آن را تهدید می‌نماید. «این امر اگر بر روح ملتی مستولی گشت به جای استقرار امنیت و عدالت، صحنه حیات اجتماعی آنها به یک میدان نبرد و تنازع تبدیل گشته و تصادمات سختی میان افراد جامعه درمی‌گیرد» (موسوی لاری، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷).

۳-۱-۴. اکل مال به باطل

این رذیله منبعث از حرص و طمع و حاصل کذب و باطل است؛ چراکه حقانیت تصرف در هر مالی مرهون به ابزار صدق است و هرگونه تصرف خارج از قلمرو اسباب حق و ابزار صدق، اکل به باطل و کذب است نه اکل به حق و صدق (جوادی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۵۰۵)، و برای آن اقسامی است که هر کدام به نحوی نافی امنیت است. در ادامه به برخی از مصادیق «اکل مال به باطل» و بررسی تأثیر سوء آن بر امنیت می‌پردازیم.

۱-۳-۴. رشوه

رشوه، مالی است که به حاکم و قاضی می‌پردازند تا با آن حقی را باطل و باطلی را حق جلوه دهد و از این راه مال دیگران را به ناحق تصاحب نماید (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۸). قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْخِلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۸۸)؛ و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید، و [به‌عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید؛ درحالی که خودتان [هم خوب] می‌دانید.

این آیه شریفه از هرگونه تصرف مال به ناحق نهی نموده است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۴۴). استعمال واژه «اکل به باطل» به جای «تصرف به باطل» به دلیل این است که مهم‌ترین اثر و حساس‌ترین بهره مال، خوردن است که حافظ اصلی حیات است (جوادی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۴۹۹) و گر نه مطلق تصرف به باطل مورد نهی می‌باشد. آیه

کریمه پس از این نهی کلی، رشوه‌خواری و غصب را به جهت اهمیت خاص آن، جداگانه مطرح نموده است. رشوه، عامل اختلال در نظام اجتماعی، قانون‌گریزی افراد و تخلفات اداری و باعث فساد اقتصادی و اجتماعی است و گاه آسیب‌های غیر قابل جبرانی بر پیکره جامعه می‌زند. در جامعه‌ای که رشوه‌خواری رایج می‌شود، افراد بی‌بضاعت فاقد احساس امنیت هستند؛ زیرا در صورت ادعای دعوی در رویارویی با ثروتمند، شخص ثروتمند با اعطای رشوه، پیروز از میدان برمی‌گردد. بنابراین در این جوامع فقرا ترجیح می‌دهند ظلم را بپذیرند و سکوت نمایند، اما گستره رشوه از این فراتر است، بلکه هر نوع پرداخت اعم از پول، سند مالی یا ارائه خدمت و کالا به گمارده حکومت برای فرار از قانون را رشوه می‌گویند. بدیهی است وضع قوانین یک جامعه توسط قانون‌گذار، با هدف ایجاد آرامش، امنیت، رشد و شکوفایی افراد آن جامعه و بر اساس مصالح و منافع ایشان صورت می‌گیرد، اما پرداخت رشوه و تخطی از قانون از مسیر امن رشوه، زمینه بسیاری از نایمنی‌ها را در جامعه فراهم می‌آورد. جدول (۲) نمونه‌ای از آثار سوء رشوه‌خواری بر امنیت اجتماع را نشان می‌دهد.

جدول ۲: رشوه‌خواری و سلب امنیت

ردیف	فعالیت غیرقانونی (با اعطای رشوه)	ایجاد اختلال و تهدید در زمینه
۱	قاچاق کالاهای غیرقانونی	امنیت اقتصادی و سیاسی
۲	قاچاق مواد مخدر	امنیت اجتماعی، روانی، خانواده
۳	تخلف در پروژه‌های عمرانی و عدم مقاوم‌سازی ساختمان‌ها	امنیت جانی و مالی
۴	قطع درختان و جنگل‌ها و آسیب به محیط زیست	امنیت بهداشت و محیط زیست
۵	اخذ مجوز چاه‌های غیرقانونی در زمین‌های کشاورزی	امنیت آب و غذا، اقتصادی و اجتماعی
۶	فرار مالیاتی	کاهش درآمد دولت و تهدید امنیت ملی
۷	استخدام غیرقانونی افراد غیرمتخصص (یا با تخصص ناکافی) و غیرمتعهد	تمام امنیت‌ها توضیح اینکه: پزشکی که تخصص کافی ندارد، امنیت جانی مردم را به بازیچه می‌گیرد و مهندسی که تخصص کافی ندارد، در زمینه شغلی خود تهدیداتی را برای مخاطبین ایجاد می‌نماید.
۸	اخذ مجوز غیرقانونی چاپ کتاب‌های غیرمفید	امنیت فکری و فرهنگی

موارد فوق‌الذکر نمونه بسیار کوچکی است از آنچه در گوشه و کنار در حال وقوع است و صرفاً جهت ملموس‌تر شدن بحث ارائه گردید.

۲-۳-۱-۴. غصب

غصب نیز از مصادیق «اکل مال به باطل» است که از قوه شهویه نشئت می‌گیرد و در لغت به معنای به زور و ستم گرفتن چیزی آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۷۴)، و در اصطلاح شرعی عبارت است از: «دست گذاشتن بر مال دیگری به‌طور مستقل و از روی عدوان» و یا به عبارت دقیق‌تر «استیلا بر حق غیر، به نحو عدوان» را غصب گویند (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۱۲، ص ۱۴۵). غصب، اصل اختصاص و مالکیت را پایمال می‌کند و به همان اندازه که

اصل «اختصاص و مالکیت» در زنده بودن و قوام اجتماع مؤثر است (نساء: ۵) به همان اندازه غضب اجتماع را متزلزل ساخته و از پیشرفت متوقف می‌سازد (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲). اگر فرهنگ غضب اموال ضعفا توسط اقویا بر جامعه‌ای حکم‌فرما شد، آن جامعه تبدیل به حیات وحشی می‌گردد که هیچ‌کس در آن امنیت ندارد؛ همچنان‌که امروزه پول‌پرستان استعمارگر، به انحای کیدها و حيله‌ها به دنبال غضب اموال، منابع و معادن کشورهای ضعیف هستند و امنیت مردم این کشورها را در تمام ابعادش با مخاطره روبه‌رو ساخته‌اند و علی‌رغم اینکه مدعی اخلاق و آداب هستند، بدترین بداخلاقی‌ها را با مردم مستضعف انجام می‌دهند و پیوسته مجتمعات و نشست تشکیل می‌دهند که چگونه جوامع ضعیف را به دام کشند و عرصه را برایشان تنگ نمایند و حقوق ایشان را غضب کنند (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۱۷۵). همه این افعال قبیح، ناشی از ردایی نفسانی سران این کشورهاست؛ آنان که روحشان به ملکه حرص و طمع آلوده گردیده است و جز به ثروت و قدرت خود به چیزی نمی‌اندیشند.

۳-۳-۴. اکل مال یتیم

در حدیث نبوی ﷺ بدترین خوردنی‌ها، خوردن مال یتیم به ظلم و زور معرفی شده است (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲، ص ۱۴) و قرآن کریم آن را جزء گناهان بزرگ شمرده و خوردن آن را تناول آتش می‌داند و مرتکبین آن را به آتشی فروزان تهدید نموده است (نساء: ۲ و ۱۰) و از این طریق به دنبال ایجاد امنیت مالی برای یتیمان نیازمند و بی‌دفاع جامعه است.

این کتاب آسمانی، علاوه بر وعده عذاب اخروی، نکته‌ای متذکر می‌گردد و آن اینکه اگر در اجتماعی خوردن مال یتیمان و ضعیفان مجاز شمرده شود، به‌طور طبیعی افراد باید از آینده فرزندان خود نیز نگران باشند و اگر امروز حرص و طمع فردی، امنیت اقتصادی یتیمی را زیر سؤال برده است، فردا نیز حرص و طمع دیگری، امنیت یتیم او را دستخوش تهدید قرار می‌دهد (نساء: ۹). بنابراین مردم باید نه از سر ترحم و رأفت، بلکه از روی خشیت و تقوا از آینده ایتام خود بترسند و از ایضاع حقوق ایتام دیگران بپرهیزند (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۳۱۸)؛ زیرا «هرکس ظلم کند خدای تعالی بر او مسلط می‌کند کسی را که به او و یا به اولاد او و یا به نوه‌های او ظلم کند» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۱).

بنابراین اگر ظلم به یتیمان و سلب امنیت ایشان به یک سنت اجتماعی مبدل گردید، هیچ فردی از افراد جامعه از آن ایمن نیست. نکته مهم دیگر اینکه ظلم به ایتام و غضب حقوق ایشان و آزار و اذیت آنها، از آنان افرادی سنگ‌دل، شکست‌خورده، فاقد شخصیت و خطرناک می‌سازد که امنیت فرد و جامعه را تهدید می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۷۹).

۴-۳-۴. کم‌فروشی

از مصادیق «اکل مال به باطل»، بهره‌وری از مالی است که به‌وسیله کم‌فروشی به‌دست می‌آید (جوادی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۵۱۰)، و کم‌فروشی مفسده‌ای است که امنیت را از جامعه سلب می‌نماید؛ زیرا مدنی‌بالاستخدام بودن انسان

(طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۰، ص ۳۸۸) او را ملزم به اعطای خدمت، شیء یا کالا در قبال اخذ خدمت، کالا یا شیء از دیگری می‌نماید (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۰، ص ۵۴۳) و نقصان اعطا در مقابل دریافت در این گونه تعاملات اجتماعی منجر به ضرر طرف مقابل و سلب امنیت اقتصادی و اجتماعی از وی می‌گردد.

شخصی که وجهی می‌پردازد تا جنس یا خدمتی فراهم آورد و کمتر از حق خود آن را دریافت می‌نماید، علاوه بر اینکه، هم به لحاظ مالی متضرر می‌گردد و هم نفع مورد نظرش را نمی‌برد، دچار نوعی سردرگمی و سرگیجه می‌شود و اعتماد خود را به حسن تدبیر و درستی نظرش را در زندگی از دست می‌دهد و این خود فساد است. حال اگر این فساد از یک نفر و دو نفر تجاوز نمود و در کل افراد جامعه شایع شد، فساد در مجتمع شیوع یافته و چیزی نمی‌گذرد که اعتماد به یکدیگر را از دست داده و امنیت عمومی از آن جامعه رخت برمی‌بندد (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۰، ص ۵۴۴). بر همین اساس قرآن کریم مبارزه با کم‌فروشی را یکی از رسالت‌های انبیای الهی می‌داند (هود: ۸۵) و سلب امنیتی که در اموال و اعراض و نفوس اجتماع از این طریق حاصل می‌شود را فساد قلمداد می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۸، ص ۲۳۶). در پایان این بحث، ذکر چند نکته ضرورت دارد:

۱. کم‌فروشی صرفاً در مسئله تجارت نیست، بلکه کم‌فروشی به نقص و کم‌گذاشتن در هر نوع ارائه خدمات، کالا و شیء که برای آن بهای کامل گرفته شود، اطلاق می‌گردد، و به همین دلیل قرآن کریم تعبیر «اشیاءهم» به کار برده است نه «اموالهم» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۱۲).

۲. حضرت شعیب علیه السلام به تعبیراتی که در پایان نصایح خود به کار می‌برد از قبیل: «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۸۵) و «بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود: ۸۶)، می‌خواهد به قوم خود بفهماند که اگر شما طالب سعادت دنیا و تأمین آن هستید و می‌خواهید در زندگی فردی امنیت خاطر و در زندگی اجتماعی امنیت عمومی داشته باشید، پس کم‌فروشی و فساد ننمایید (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۸، ص ۲۳۶).

ابتلای یک جامعه به چنین رذیلتی، علاوه بر اینکه امنیت اقتصادی و اجتماعی را سلب می‌نماید، باعث نزول بلاهای طبیعی نیز می‌گردد (اعراف: ۹۱). بسیاری از روایات یکی از پیامدهای کم‌فروشی را قحطی و عدم امنیت غذایی، مالی و اقتصادی می‌دانند که نشأت یافته از قهر طبیعت بر علیه آنان است که برخلاف فطرت خود و قوانین عالم تکوین حرکت می‌نمایند (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۸۱)؛ همچنان که حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه به آن اشاره می‌فرماید و جلوگیری از کم‌فروشی را وسیله مبارزه با کمبودها می‌شمارد (ابن طاووس، ۱۳۷۴، ص ۴۱۳).

۴-۲. استکبار (خودبزرگ‌بینی و برتری طلبی)

«استکبار، کبر و تکبر» در معنی به هم نزدیک‌اند. کبر حالتی است که انسان با بزرگ دیدن خویش به آن صفت، موصوف می‌شود و همان است که انسان جان و وجود خویش را از غیر خویش بزرگ‌تر می‌بیند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۷). برخی از لغات در قرآن کریم ارتباط معنایی با واژه «کبر» دارد که همراهی این لغات با واژه «کبر»

معنای آن را روشن تر می نماید. از جمله این لغات واژه «جبار» است و «جبار» کسی است که پندار او در خود بزرگ بینی و استغنا به آن پایه رسیده است که در همه امور بر هموعان خویش تحکم می ورزد و می خواهد در نهایت خودکامگی و استبداد، قدرت خود را بر آنها اعمال نماید (ایزتسو، ۱۳۹۸، ص ۳۰۴). از واژه های دیگری که این حالت نفسانی، یعنی خودبزرگ بینی و برتری طلبی را به تصویر می کشد، واژه «عالی» است. لغات «استکبار و عالی» اولین بار پیرامون شیطان و دلیل امتناع او از امتثال فرمان خدا مبنی بر سجده - به معنای تکریم و احترام (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۸۸) - برای حضرت آدم ﷺ ذکر شده است (ص: ۷۵-۷۱).

علمای اخلاق، تکبر و برتری طلبی را از تعلقات قوه غضبیه دانسته اند (نراقی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۸؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۴)، و قوه غضبیه، خود زائیده حُب نفس است (خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱) و اگر قوه غضبیه تحت فرمان عقل قرار نگیرد و در آن افراط گردد، ممکن است منجر به برتری طلبی و در نهایت سلطه گری و جباری شود و امنیت را در گستره نفوذ خود از بین ببرد. فرد جبار و برتری جو، به هر کاری دست می زند تا پندار خود را به منصه ظهور گذارد و دیگران را تحت سلطه خویش درآورد و مدام سلطه خویش را گسترش دهد. تمام کنش های اجتماعی چنین شخصی، برای دیگران ناامنی ایجاد می نماید. در قرآن کریم فرعون به عنوان نمادی از این خلق و خو معرفی شده است: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدِّخُّ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۴)؛ فرعون در زمین [مصر] برتری جویی کرد و مردم آن را طبقه طبقه ساخت؛ طبقه های از آنان را زبون می داشت، پسرانشان را سر می برید و زنان شان را [برای بهره کشی] زنده می گذاشت که وی از فسادکاران بود.

این آیه، آثار برتری طلبی فرعون را به تصویر می کشد. سلطه گری فرعون او را به چند امر وامی داشت:

۱. ایجاد اختلاف در بین مردم (جعل اهلها شیعا)، و این همان سیاست معروف مستکبران عالم است که «تفرقه بینداز و حکومت کن» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۱۱)، و بدیهی است که اختلاف و تفرقه موجب عداوت (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۹۲)، منازعه، جنگ و جدال است و امنیت را از جامعه سلب می نماید؛

۲. گرفتن امنیت جانی از بنی اسرائیل و کشتن ابنای بنی اسرائیل از ترس اینکه فرزندی از ایشان به بساط سلطه گری او پایان دهد (طبرسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۸)؛

۳. استحیای زنان که به دو چیز تفسیر شده است: یکی زنده گذاردن زنان برای خدمتگزاری و کلفتی و دیگری گرفتن شرم و حیا از ایشان؛ یعنی با زنان بنی اسرائیل کارهایی می کردند که شرم و حیا را از ایشان بردند (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۸۶). بنابراین یکی دیگر از ابعاد سلطه گری مستکبران از بین بردن امنیت اخلاقی و جنسی در جامعه است تا از طریق بی غیرتی مردان و بی حیایی زنان زمینه بیش از پیش تسلط خود را فراهم آورند؛

۴. استضعاف بنی اسرائیل که خود حاصل اقدامات گذشته است، اعم از ذبح پسران، زنده نگه داشتن زنان و دختران و بهره‌وری از ایشان، به بردگی کشیدن سبطیان و شکنجه و آزار آنان.

ترس و وحشتی که فرعون در جامعه ایجاد نموده بود به همین جا ختم نمی‌شد، او حتی آزادی فکر و عقیده را از مردم گرفته بود؛ به نحوی که ایمان‌آوردگان به موسی ﷺ با ترس و لرز به ایشان ایمان می‌آوردند (یونس: ۸۳).

این حالت نفسانی فرعون باعث می‌شد که کسی را برتر از خود نبیند و حتی ادعای الوهیت نماید و امنیت را از هرکسی که غیر از او را بپرستد سلب نماید (شعراء: ۲). این ویژگی فرعون، یعنی استعلا و برتری‌طلبی و استیلا و سلطه‌جویی در هر فرد یا جامعه‌ای رسوخ نماید، همین آثار و پیامدها را به دنبال دارد؛ همچنان که امروزه نیز سلطه‌جویان جهان و فرعونیان زمان و در رأس همه آنها امریکا، جهت حفظ سیطره خود و توسعه آن، به اقداماتی دست می‌زنند که «امنیت» را از جوامع بشری سلب نموده است. برخی از این اقدامات عبارت‌اند از:

۱. ایجاد تفرقه در میان ملل مختلف (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱۸، ص ۴۶۸) با روش‌های متفاوت از جمله:
الف) تحریک اقوام و جوامع علیه یکدیگر با استفاده از تکثرات قومی و تعصبات نژادی مثل فراخواندن اعراب، کردها، ترک‌ها و... بر علیه یکدیگر؛

ب) دامن زدن به اختلاف پیروان مذاهب مختلف و تحریک ایشان بر علیه یکدیگر؛

ج) فرقه‌سازی مثل تأسیس باییت، بهائیت، القاعده، طالبان، داعش و... (کریمی خویندگانی، ۱۳۸۸، ص ۵۷-۸۴).
۲. راه‌اندازی جنگ‌های مستقیم یا نیابتی بر علیه مخالفین نظام سلطه، ترور رهبران ایشان و کشتار دست‌جمعی و نسل‌کشی آزادی‌خواهان.

۳. رواج فساد اخلاقی، گرفتن حیا، حجاب و عفاف از زنان و القای بی‌غیرتی و بی‌حییتی به مردان از طریق کشاندن ایشان به فساد جنسی، مشروبات الکلی، اعتیاد به مواد مخدر و...

۴. استضعاف ملل مختلف به طریق مقتضی؛ به نحوی که خود یکه‌تاز جهان باشند؛ به گونه‌ای که پس از فروپاشی شوروی، طرح «نظام نوین جهانی» را مطرح می‌نمایند و ادعای اربابی بر جهان را دارند؛ اگرچه این طرح به مرور زمان و با قدرتمند شدن سایر ملل به رؤیایی دست‌نیافتنی برای امریکا تبدیل شده است (کیسینجر، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷-۱۶۲).
تمام این اقدامات، زایل‌کننده امنیت در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... در گستره‌های متفاوت فردی، خانوادگی، ملی، بین‌المللی و جهانی است و همه اینها نشأت گرفته از خوی سلطه‌گری و برتری‌طلبی سران استکبار جهانی است. تطبیق اقدامات فراعنه قدیم با رفتار و گفتار متکبران امروزی بیانگر این است که هر دو دارای اغراض، اهداف و اقدامات مشابه هستند، اما ابزار و وسایل و شکل سلطه آنان متفاوت گردیده است.

۳-۴. شهوت پرستی

شهوت در لغت به معنای «اشتیاق نفس به چیزی» (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۶)، «خواهش و دلبستگی نفس به چیزی

است که می‌خواهد و آن را اراده می‌نماید» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۸)، و اشتها، پذیرش شهوت و گزیدن آن را گویند که یا ملایم روح است و تحت فرمان عقل که مطلوب و ممدوح است و یا ملایم با بدن و صرفاً در راستای تمایلات نفسانی که مذموم است و موجب سقوط انسان به حیوانیت می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۳۰ق، ج ۶، ص ۱۷۵).

علمای اخلاق برای شهوت انواعی گفته‌اند؛ از جمله شهوت طعام، شهوت فرج، شهوت ریاست، مقام و جاه، شهوت معرفت و... و برای هر کدام از این شهوات مرتبه‌ای از لذت قائل شده‌اند (غزالی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۵۶) و حد وسط در شهوات را ممدوح و افراط و تفریط در آنها را مذموم دانسته‌اند و حد اعتدال در آنها را «عفت» (نراقی، ۱۳۷۴، ص ۳۰۹) و افراط در آنها را «شره» و تفریط در آنها را «خمودی» گفته‌اند (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴).

میل نفس به سوی شهوت بدون اینکه آن شهوت به وسیله عقل تعدیل گردد را «هوای» گویند (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۵، ص ۳۰۸). شخصی که شهواتش با عقل تعدیل نشده و به دنبال شهوت و هوای نفس خویش است را «شهوت‌پرست» یا «هواپرست» خوانند و در قرآن کریم با تعبیر «من اتخذ الهه هوا» معرفی شده است (جاثیه: ۲۳). اما در این بحث، از میان شهوات، خصوص «شهوت فرج» مورد نظر است. اگرچه افراط در سایر شهوات نیز مذموم است و آثار زیان‌باری دارد، ولی فراوانی آمار ناامنی حاصل از «شهوت فرج» در جوامع انسانی بیش از سایرین است، و ابتلای افراد به افراط در آن به دلیل اقتضای جهاز آن در بدن و قوه و قدرتی که در تسلط بر انسان دارد معمول‌تر است و شرایط برای زیاده‌روی در آن نسبت به برخی شهوات همچون شهوت ریاست، جاه و مقام فراهم‌تر می‌باشد. از جانب دیگر افراط در آن معمولاً امنیت زنان و بچگان را به خطر می‌اندازد که بیش از نیمی از جامعه را دربر می‌گیرد.

عدم امنیت اجتماعی بالاخص برای زنان، افزون بر عوارض جسمی و روحی و هزینه‌های درمانی و اجتماعی، پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون افزایش موارد فرار از خانه، افزایش میزان خودکشی، خودسوزی زنان، همسرکشی و بیماری‌های روحی و روانی همچون افسردگی را به دنبال دارد (نجار نهاوندی و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۶۸).

فراوانی آمار نالایمی جنسی در جوامع مختلف بنابر شرایط فرهنگی و اجتماعی متفاوت است، اما به دلیل اینکه بسیاری از قربانیان ترجیح می‌دهند حفظ آبرو نمایند، این آمارها چندان دقیق نیست، اما فی‌الجمله می‌توان به این واقعیت دست یافت که طغیان قوه شهوت جنسی در مردان، امنیت جسمی و روحی زنان و بعضاً کودکان را در مخاطره جدی قرار می‌دهد (نجار نهاوندی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸؛ اردبیلی، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

بنابراین کنترل شهوت و هدایت آن در مسیر غایتی که نظام تکوین برای آن رقم زده است که همان حفظ و بقای نسل آدمی است (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۱۳، ص ۱۱۸)، از اهمیت والایی برخوردار است. علاوه بر این، باید دانست که صرف کنترل بیرونی این قوه نمی‌تواند امنیت عمومی را برای جامعه به ارمغان آورد، بلکه از طریق تربیت اخلاقی نفوس و تزکیه ایشان و تخلق آنها به خلق «عفت»، زمینه حدوث فحشا که عامل سلب امنیت

عمومی است (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۷، ص ۵۱۷) از بین می‌رود و زنان و کودکان می‌توانند در امنیت کامل به فعالیت‌های روزمره اجتماعی خود بپردازند.

۴-۴. عفت و نقش آن در تأمین امنیت جنسی

«عفت» ضد شهوت‌پرستی است و در لغت برای آن دو اصل ذکر نموده‌اند: نخست، خودداری از انجام کارهای زشت و دیگری کم بودن چیزی، لذا عرب به باقی شیر در پستان مادر «عَفَّة» گوید (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴۰۵)، و بازگشت هر دو معنا به یکی است؛ چراکه شخص عقیف نیز به کم قناعت می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۱۵)، و تعفف، اختیار کردن عفاف و پذیرش عفت است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۴۹۳) و در اصطلاح اخلاقیون، فرمان‌برداری نیروی شهوت از عقل را گویند که باعث اعتدال آن قوه و رهایی از افراط و تفریط (شره و خمودی) می‌گردد و در اینجا به تناسب بحث مراد از «عفت»، «عفت» در مسائل جنسی است.

در اسلام برای انقیاد شهوت از عقل دستوراتی داده شده است که در صورت امتثال آن دستورات، میزان عفت در آحاد اجتماع فرونی می‌یابد و عقلانیت به‌عنوان مبنای تمام فرامین الهی (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۲۹۳) بر آن سیطره می‌اندازد و دامنه شوم شهوت‌پرستی را برمی‌چیند و امنیت جنسی را به دنبال می‌آورد.

امر به فراهم آوردن زمینه ازدواج مجردها (نور: ۳۲)، توصیه به عدم تعویق ازدواج به دلیل شرایط اقتصادی (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۵)، مأموریت تمام اقشار جامعه در برکنندن سایه عزوبت از افراد جامعه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۵۷)، جواز تعدد زوجات (نساء: ۳) در صورت حصول شرایط و بر مبنای رعایت مصالح عقلانی در سنن اجتماعی به‌جای تکیه بر احساسات (طباطبائی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۲۹۸)، جواز ازدواج موقت (نساء: ۲۴) بالاخص زمانی که زمینه ازدواج دائم فراهم نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲، ص ۳۱۰)، وضع احکام و قوانینی که از تحریک افراطی شهوت جلوگیری می‌کند (نور: ۳۰ و ۵۸-۵۹؛ احزاب: ۳۲ و ۵۹؛ لقمان: ۶؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۴۹) و... از این جمله است.

علاوه بر این، قرآن با دستورات تنبیهی و اندازی مثل تعیین حدود برای مجازات مرتکبین اعمال منافی عفت در انظار عمومی جهت عبرت دیگران (نور: ۲)، وعده خلود در جهنم در صورت عدم توبه برای زناکاران (فرقان: ۶۹) و یا بیان سرنوشت اقوام خطاکار پیشین (هود: ۸۲-۸۳)، به دنبال کنترل میل جنسی است. حاصل کلام اینکه قرآن کریم با بیان معجونی از اوامر، نواهی، تبشیر و اندازها، به دنبال هدایت نیروی شهوت جنسی در مسیر صحیح و کنترل آن توسط قوه عاقله است. بدیهی است اگر در جامعه‌ای این دستورات اجرا گردد، نور عفت در افراد آن جامعه تجلی می‌یابد و امنیت جنسی بر آن جامعه حکم‌فرما می‌گردد.

نتیجه‌گیری

این مطالعه نشان می‌دهد که امنیت صرفاً یک پدیده ساختاری یا سیاسی نیست، بلکه یک امر اخلاقی - وجودی است

که ریشه در کیفیت روابط انسانی و تعادل درونی افراد دارد. پژوهش حاضر با عبور از رویکردهای صرفاً توصیفی، یک چارچوب علی - تفسیری ارائه می‌دهد که در آن فضیلت‌های اخلاقی (به‌ویژه صداقت و عدالت) نه تنها کنش‌های فردی را سامان می‌بخشند، بلکه به‌عنوان سازه‌های زیربنایی در ایجاد امنیت طبیعی و انسان‌ساخت عمل می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که امنیت طبیعی محصول هماهنگی هستی‌شناختی بین ساحت اخلاقی انسان و نظام تکوین است. رذایل اخلاقی (مانند مال‌پرستی، استکبار و شهوت‌پرستی)، هم در سطح خرد (روابط بین‌فردی) و هم در سطح کلان (روابط بین‌المللی) موجب گسیختگی ساختاری، بی‌اعتمادی و ناامنی می‌شوند.

نوآوری نظری این پژوهش در آن است که امنیت را نه به‌مثابه یک حالت ایستا، بلکه به‌عنوان یک پویایی اخلاقی مفهوم‌پردازی می‌کند؛ پویایی که در گرو حرکت جامعه از «حالت رذیلت‌محور» به «حالت فضیلت‌محور» است. در این چارچوب، امنیت پایدار تنها در جامعه‌ای اخلاق‌مدار متصور است.

پیامد سیاستی این یافته‌ها آن است که هرگونه برنامه‌ریزی امنیتی بدون در نظر گرفتن بُعد تربیتی و اخلاقی، ناقص و ناپایدار خواهد بود. بنابراین مهندسی امنیت باید همراه با مهندسی اخلاق صورت پذیرد. در یک کلام امنیت، تجلی بیرونی تعادل درونی اخلاقی جامعه است.

منابع

قرآن کریم.

آشوری، داریوش (۱۳۹۶). *دانشنامه سیاسی*. بی جا: مروارید.

ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۳ق). *معانی الأخبار*، تحقیق: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۶ق). *ثواب الاعمال و عقاب الامال*. قم: دار الشریف الرضی النشر.

ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. تحقیق: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه المدرسین.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۴). *الطرائف*. ترجمه داود لهامی. قم: نوید.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم المقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۴۲۶ق). *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*. تحقیق: عماد هلالی. بی جا: طلیح النور.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳). *سقط جنین در بارداری ناشی از زنا* به عرف. *تحقیقات حقوقی*، ۷(۳۹)، ۱۳۳-۱۶۶.

استادی، مریم (۱۳۹۲). *نقش اخلاق در امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن و روایات*. پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی. دانشکده الهیات

و معارف اسلامی. دانشگاه مازندران.

افتخاری، اصغر، موسوی دیجوجین، میرهاشم و نبیلی احمدآبادی، مقداد (۱۳۹۳). *اخلاق و راهبرد امنیت ملی*. *امنیت ملی*، سال سوم، ۳(۱۲)، ۹-۳۴.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۹۸). *مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه.

بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تحقیق: بنیاد بحث واحد تحقیقات اسلامی. قم: مؤسسه البعثة.

جعفر بن محمد، امام ششم (۱۳۶۰). *مصباح الشریعه*. ترجمه حسن مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *اسلام و محیط زیست*. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حمار (۱۳۷۶). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*. تحقیق: احمد بن عبدالغفور عطار. بیروت: دار العلم للمالین.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. تحقیق: مؤسسه آل البيت (ع). قم: مؤسسه آل البيت (ع).

خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۰). *شرح چهل حدیث*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

دلفان، زهرا (۱۳۹۷). *جایگاه ارزش‌های اخلاقی اجتماعی در قرآن و نقش آن در امنیت جامعه*. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن. دانشکده علوم

قرآنی کرمانشاه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن الکریم*. بیروت: دار القلم.

رستمی، حیدرعلی، خوش‌نیت، غلامرضا و نیکوئی، علی (۱۴۰۱). *بررسی تأثیر اصول اخلاق فاضله بر پیشرفت و توسعه پایدار جوامع از منظر قرآن*

کریم. *مطالعات گوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، ۱۰(۳۳)، ۷۱-۹۵.

رضایی، زهرا (۱۳۹۰). *تبیین رابطه اخلاق و امنیت فرهنگی*. پژوهش‌نامه، ۷۶، ۱۱۳-۱۲۸.

رضوانی نوینی، مجتبی (۱۳۹۶). *مبانی نظری امنیت اخلاقی از منظر قرآن و روایات*. پایان نامه کارشناسی ارشد تفسیر قرآن. دانشگاه تفسیر و معارف

قرآن قم.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*. بیروت: دار الکتب العربی.

سراج، اشرف (بی تا). عدالت فردی یا اخلاق زیربنای عدالت اجتماعی و امنیت. مجموعه مقالات دومین همایش الگوی اسلامی/ایرانی پیشرفت، ۲۵۵-۲۷۶.

سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). نهج البلاغه. ترجمه دشتی. تهران: زهد.

شیرافکن، محمدحسین، صاحبیان، فاطمه و قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۶). تحلیل حوزه مقابل تقوا با تأکید بر روش معناشناسی ایزوتسو. ذهن، ۱۸(۷۱)، ۱۷۱-۱۹۸.

صالحی امیری، سیدرضا و کریمی خوزانی، علی (۱۳۹۵). نقش اخلاق اجتماعی بر امنیت اجتماعی و عمومی. اخلاق در علوم و فناوری، ۱۱(۳۵)، ۱۸-۱۱.

طالقانی، محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۸). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه حسین نوری همدانی. تهران: فراهانی.

طجری، علی بهرام (۱۴۰۱). اخلاق و امنیت، مبانی و اصول. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). مصباح المتعبد و سلاح المتعبد. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.

عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۳۸۱). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة. بیروت: دار الآفاق الجدیده.

غرایق زندگی، داود (۱۳۹۱). نسبت اخلاق و امنیت: امکانی برای امنیت اخلاقی. مطالعات راهبردی، ۱۵(۵۸)، ۸۲-۱۰۸.

غزالی، محمد بن محمد (۱۴۰۹ق). الأربعین فی اصول الدین. بیروت: دار الکتب العلمیه.

قتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین. قم: رضی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: هجرت.

فهمیان، حسین (۱۳۹۳). اخلاق در رابطه با صلح و امنیت. تهران: اردوان.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۲). راه روشن. ترجمه محمدصادق عارف، محمدرضا عطایی و عبدالعلی صاحبی. مشهد: آستان قدس رضوی.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۷). ترجمه الحقائق. تصحیح: عبدالله غفرانی. ترجمه محمدبن شاه مرتضی نورالدین. تهران: مدرسه عالی شهید مرتضی مطهری.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۷ق). المحجة البيضاء. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه.

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: مؤسسه دار الهجره.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کریمی خوندگانی، روح‌الله (۱۳۸۸). بررسی تهدیدات نرم فرقه‌های وابسته به استعمار بر امنیت ملی. علوم تربیتی، تربیت و بصیرت/اسلامی، ۱۴(۶)، ۵۷-۸۴.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). اصول کافی. ترجمه سیدجواد مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵). اصول کافی. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. قم: اسوه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ق). الزهد. تصحیح: غلامرضا عرفانیان یزدی. قم: المطبعة العلمیه.

کیسینجر، هنری آلفرد (۱۳۷۶). نظم نوین جهانی [دو مقاله از کیسینجر از کتاب دیپلماسی]. ترجمه معاونت پژوهشی مجلس شورای اسلامی. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی شورای اسلامی.

- گریگوری جی، فیست، آن رابیتس، تامی و فیست، جس (۱۳۸۸). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمد. تهران: روان.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم والمواعظ*. تحقیق: حسین حسنی بیرجندی. قم: دار الحديث.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی تا). *یادداشت‌های استاد مطهری*. تهران: صدرا.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۶). *اخلاق و خودسازی در مکتب قرآن و اهل بیت*. تهران: پیام آزادی.
- معین، محمد (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: اشجع.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *اخلاق در قرآن*. قم: مدرسه علی بن ابی طالب.
- موسوی لاری، سیدمجتبی (۱۳۷۲). *بررسی مشکلات اخلاقی و روانی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجار نهاوندی، مریم و آهنگر سلابتی، اعظم (۱۳۸۹). *بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت جنسی زنان. بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۳)، ۱۶۷-۱۷۷.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۷۴). *معراج السعاده*. قم: هجرت.
- نراقی، مهدی بن ابی ذر (بی تا). *جامع السعادات*. تصحیح: محمد کلاتر. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.